

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل کلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
همکار سر دبیر: بهمن خانی
E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۶۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

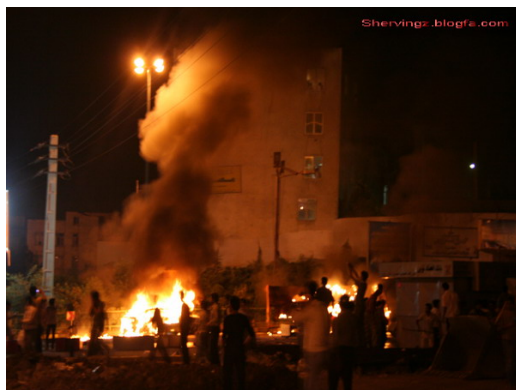
چهارشنبه ها منتشر میشود

۶ تیر ۱۳۸۶، ۲۷ ژوئن ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدل کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

اعتراضات وسیع در تهران و سایر نقاط ایران علیه جمهوری اسلامی

در عکس العمل به سهمیه بندی بنزین مردم پمپ بنزین ها را به آتش کشیدند



بدنبال اعلام اجرای طرح سهمیه بندی بنزین، موج وسیعی از اعتراض سراسر ایران را دربر گرفت. بنا به اطلاعیه وزارت نفت از ساعت ۱۲ شب سه شنبه ۵ تیر ماه طرح سهمیه بندی بنزین در سراسر ایران به اجرا درمی آید. رژیم اسلامی از ترس اعتراض و ازدحام مردم خیر اجرای طرح و نیز میزان سهمیه را ۳ ساعت قبل از اجرا به اطلاع مردم رساند.

صفحه ۲

جعل تاریخ راه حل نیست

مصاحبه ای با محمد آسنگران در مورد
ارزیابی ابراهیم علیزاده از تاریخ حزب کمونیست ایران



محمد آسنگران

است که قابل توجه است. بررسی ایشان از پروسه تاریخی این حزب بسیار غیر منصفانه و جعل واقعیاتی مستند و غیرقابل انکار است. اما سوال این است چرا این ارزیابی اکنون موضوعیت پیدا کرده است؟

محمد آسنگران:

ایسکرا: اخیرا ابراهیم علیزاده در جلسه ای تحت عنوان "ارزیابی از حزب کمونیست ایران، موقعیت کنونی و دورنمای آن" در اردوگاه کومه له در (زرگوز) در نزدیک شهر سلیمانیه عراق مباحثی را مطرح کرده و به نکات متعددی اشاره کرده

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره جنگ داخلی در فلسطین

تصرف غزه توسط حماس از یکسو و اعلام انحلال دولت حماس توسط محمود عباس از سوی دیگر، رودررویی حماس و الفتح را به جزء دیگری از صورت مساله در منطقه تبدیل میکند. این اتفاقات

صفحه ۲

الفتح و حماس در نوار غزه و تصرف مرکز فرماندهی الفتح توسط حماس و کنترل غزه توسط آن، وضعیت و زندگی مردم فلسطین را وارد مرحله تازه ای کرده و باز هم از مردم فلسطین قربانی میگیرد.

اسارت مردم فلسطین در اثر اشغال و سرکوب و جنایت اسرائیل، بدنبال تحریک اسلام سیاسی در منطقه وضعیت دردناک تری یافته و با شروع جنگ داخلی در فلسطین رو به وخامت دارد. جنگ و درگیری هفته گذشته بین

حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکند: منصور حکمت از زبان شما در اجتماعات و گردهمایی در شهرهای مختلف جهان

صفحه ۵

کمین نجات جان کبرا و رحمانپور، از رم تا تهران!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۶

احضار کارگران در سقز را محکوم میکنیم
رژیم اسلامی چهار کارگر معترض در سقز را به دادگاه فراخواند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶



محمود صالحی
Mahmood Salehi

محمود صالحی
فعال اول مه سقز،
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker- communist Party of Iran

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره جنگ داخلی در فلسطین

ازصفحه ۱

کشمکش و تخاصم بین اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب بر سر مساله فلسطین را تشدید خواهد کرد. این جدال بخشی از جدال وسیعتر اسلام سیاسی بر سر قدرت و سهم خواهی آن است. تاکید ما که جنگ دو اردوی تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی مساله فلسطین را تحت الشعاع خود قرار داده و اسلام سیاسی به مانعی بر سر مساله فلسطین بدل شده است، با وضوح بیشتری قابل مشاهده است. اعلام حمایت کشورهای غربی و حتی اسرائیل از اقدام محمود عباس و دولت جدید فلسطینی از یکسو و حمایت جمهوری اسلامی از حماس و محکوم کردن اقدام محمود عباس، صف بندیهای دو قطب را درباره فلسطین نشان میدهد. نه اسلام سیاسی و نه اسرائیل هیچکدام نمیخواهند مساله فلسطین حل شود. اسرائیل خود موجد مساله فلسطین و بانی لاینحل ماندن مساله است و اسلام سیاسی نه تنها خواهان حل مساله فلسطین نیست بلکه از وجود و ادامه آن تغذیه میکند و به آن نیاز دارد.

گام اولیه و فوری برای کنار زدن اسلام سیاسی و نیروهای دست راستی و مذهبی در اسرائیل و منطقه بمیدان آمدن نیروی عظیم مردم آزادیخواه جهان برای اعمال فشار به آمریکا و اسرائیل، پایان دادن به تحریم اقتصادی علیه مردم فلسطین، بیرون راندن اسرائیل از سرزمینهای اشغالی، به رسمیت شناختن کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین، و حمایت از مردم زحمتکش فلسطین برای بدست گرفتن سرنوشته خویش است. حزب کمونیست کارگری ایران تمام نیروی خود را برای بمیدان کشیدن این نیرو بکار میگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ خرداد ۱۳۸۶
۲۰ ژوئن ۲۰۰۷

مردم فلسطین قربانیان مستقیم جنایات اسرائیل و حماس و درگیریهای نظامی در منطقه هستند. این وضعیت باید تغییر کند. تنها راه خلاصی فوری از وضعیت کنونی، تشکیل کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی

سهمیه بندی بنزین، روزانه ۳ لیتر، زندگی و معیشت بخشی وسیعی از مردم را بطور جدی تحت فشار قرار میدهد. مردمی که تحت حاکمیت رژیم اسلامی زندگیشان به جهنم بدل شده نمیتوانند فشارهای ناشی از سهمیه بندی بنزین و گرانی و تورم بیشتر را هم تحمل کنند. جمهوری اسلامی یک حکومت ضد انسان، ضد رفاه و ضد شادی است، این حکومت باید بقدرت مردم

شهرهای کرمانشاه، سنج، گرگان، کرج، بندرعباس، مشهد، تبریز و اردبیل مردم به خیابانها ریخته اند و به پمپ بنزینها و مراکز دولتی حمله کرده اند. هم در تهران و هم در شهرستانها مردم با نیروهای بسیج و انتظامی درگیر شده اند و در مواردی این درگیریها قبل از روشن شدن هوا هنوز ادامه دارد. هنوز از میزان دستگیری و زخمی شدن مردم اطلاع دقیقی دریافت نشده است.

ایسکرا: در این سخنرانی او می گوید: کسانی که در این حزب فعالیت می کردند و بعد از این حزب جدا شدند، از طرح خودمختاری در کردستان با نهایت انقلابیگری دفاع میکردند اما بعد از جدا شدنشان از حزب کمونیست ایران، این طرح را کنار گذاشتند و نه تنها این بلکه کلا عرصه فعالیت در کردستان را ترک کردند. می خواستم بپرسم که مسئله طرح خودمختاری در آن سالها و کنار گذاشتن این طرح و ترک فعالیت در کردستان را که علیزاده عنوان کرده است چگونه توضیح می دهید؟ زیرا مسئله از نظر ایشان تنها به طرح خودمختاری خلاصه نمیشود بلکه اهداف، سیاستها و ادبیات این تاریخ را در بر می گیرد.

محمد آسنگران:
اجازه بدهید ابتدا بگویم طرح صفحه ۳

مصاحبه ای با محمد آسنگران . . .

ازصفحه ۱

چهره متفکرین و نویسندگان اسناد این تاریخ مورد "دفاع" خود را خط بزند. دوماً انصاف حکم میکند که تاریخ را آنطور که اتفاق افتاده است روایت و تحلیل کرد. سوماً او به جای نقد و حمله به ناسیونالیستهای افراطی و راست کنار دستش ترجیح داده است علیه منصور حکمت و کمونیستهای شناخته شده و صاحبان اسناد غیر قابل انکار این تاریخ حمله را سازمان دهد و خود پیش قراول این حمله شود. البته واضح است که این سیاست از منظر ایشان باید به وحدت ناسیونالیستها و "چپهای" درون این سازمان منجر شود. ایشان با این هدف به جعل تاریخی مبادرت ورزیده است که اسناد کتبی این تاریخ خلاف گفته های ایشان را بیان میکنند.

منظور پاسخگویی به مخالفتهای درونی خودشان است. زیرا بخشی از کادرها و اعضای رهبریشان علیه حزب کمونیست، علیه کمونیسم و علیه هر نوع گرایش چپ، دوباره قدم کرده و میخواهند تابلوی اسم حزب کمونیست ایران را پایین بکشند و تابلوی "کومه له" کردی با پرچم ناسیونالیسم کرد را بالا ببرند. ظاهراً علیزاده از موضع "چپ" مخالف این سیاست است و با ارزیابی از تاریخ حزب کمونیست ایران میخواهد ضرورت وجود این حزب را توضیح بدهد.

اما ایشان در این ارزیابی دچار چندین اشتباه اساسی شده است. اولاً برای جواب به گرایشهای ناسیونالیستی در درونشان لازم نبود

اعتراضات وسیع در تهران . . .

ازصفحه ۱



دولتی و بانکها و پمپ بنزینها حمله کردند، و دهها پمپ بنزین به آتش کشیده شد و به بانکها و ساختمانهای دولتی و ماشینهای پلیس خسارتی وارد شد. هزاران نفر در مناطق مختلف دست به تظاهرات زده اند و تظاهرات بزرگی از تهرانپارس بطرف غرب در جریان است. این اعتراضات و تظاهرات در سایر شهرهای ایران نیز در جریان بوده و طبق اطلاع تانکونی در

بنا به اخبار دریافتی، مردم دنبال اطلاع از اجرای طرح سهمیه بندی بنزین به بانکها و ساختمانهای دولتی و پمپ بنزینها در تهران و شهرهای دیگر حمله کردند و با نیروهای سرکویگر حکومت درگیر شدند. در مناطق وسیعی در تهران از شمال و مرکز تا جنوب و شرق، مردم دست به اعتراض زدند و علیه احمدی نژاد شعار دادند و به ماشینهای پلیس، ساختمانهای

سرنگون شود و از سر راه زندگی مردم کنار برود. برای مقابله با جمهوری اسلامی و افسار زدن به تعرض این حکومت به زندگی و معیشت و آزادی مردم باید متحد و متشکل شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۳۸۶ - ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷

خود مختاری و فدرالیسم هنگامیکه مورد نقد منصور حکمت قرار گرفت این نقدها از جانب این دوستان غیر مستقیم تایید شد و خودشان هم متوجه شدند که باید طرح خود مختاری را کنار بگذارند و گذاشتند. به درست در مقابل طرح فدرالیسم موضع گرفتند و آنرا رد کردند. حالا چرا دوباره اینچنین حرف میزنند تناقضی است که در آن گیر کرده اند. هر چند فکر نمیکنم اینها اکنون طرح خود مختاری را دوباره به سیاست خود تبدیل کنند. گفتن این تاریخ جعلی و تاکید ریاکارانه بر طرح خود مختاری بدون اینکه خودشان مدافعش باشند، تنها خاصیتش این است که دوستان ناسیونالیستشان را به ماندن در کومه قانع کنند.

اما اینکه میگویند ما عرصه فعالیت در کردستان را ترك کرده ایم!؟ بیان این حکم نشان دهنده محدودیت فکری و غیر اجتماعی دیدن پدیده های سیاسی، جنبشهای اجتماعی و تاریخی است. اگر جامعه و عرصه فعالیت در کردستان را اردوگاههای آنها در سلیمانیه و (زرگوز) تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد عراق فرض کنیم، حق با آنها است. ما این اردوگاهها را ترك کردیم. اما اگر جامعه و عرصه فعالیت را جامعه کردستان بدانیم دیگر این حکم ایشان زیادی بی ربط است. زیرا این فعالیتها تقریباً علنی است و همه میتوانند آنرا قضاوت کنند.

فعالیت در جنبشهای اعتراضی را اگر مبنای قضاوت قرار دهیم حتماً به جنبش دفاع از حقوق کودکان، جنبش کارگری جنبش دفاع از حقوق زن و میرسیم. فکر نمیکنم ایشان بتوانند در این عرصه ها که عرصه فعالیت احزاب سیاسی جدی در کردستان است ادعایی داشته باشد. زیرا در يك دهه و نیم اخیر و تا همین امروز اینها نه طرحی و نه ایده ای و نه تحرك قابل توجهی در کردستان و در این عرصه ها داشته اند. بنابر این اتهام ترك فعالیت در کردستان علیه ما خیلی

نچسب و بی پایه است. زیرا جامعه تاثیرات احزاب دخیل در کردستان را هر روز با فاکت و فیکور میبیند. کسی این ادعاها را جدی نمیگیرد. خاصیت این نوع استدلال برای علیزاده این است که به مخالفین خودش در کومه له بگوید به مسئله کردستان (مانند در اردوگاه زرگوز) اهمیت میدهد. اعلام مخالفتش با کمونیسم کارگری و منصور حکمت که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق اسناد آن حزب را نوشته است به این دلیل است که دل ناسیونالیستهای کنار دستش را بدست بیاورد.

ایسکرا: ابراهیم علیزاده در ادامه صحبتهایش با اشاره به نظر مارکس در مورد اینکه این طبقه کارگر است که قدرت را می گیرد، ظاهراً در نقد به حزب کمونیست کارگری و بطور مشخص بحث منصور حکمت در کنگره سوم که به این اشاره داشت که با تعداد کمی هم اگر بتوانیم قدرت را میگیریم نباید تردید کنیم، کنایه وار به این اشاره می کند که کسانی بودند که می گفتند قدرت را با چند هزار نفر میگیریم. بنظر شما خاصیت این مقایسه چیست و بحث منصور حکمت در مورد کسب قدرت سیاسی و جایگاه مثال فوق در پاسخ بحث علیزاده را چگونه بیان می کنید؟

محمد آسنگران:

ما جواب این حرفهای تکراری و بیخاصیت چپ سنتی را قبلاً داده ایم. اگر بتوانیم با هر چند نفری حتی کمتر از آنچه علیزاده تصور میکنند این رژیم را ببندازیم و قدرت را بگیریم يك لحظه هم درنگ نمیکنیم. کسی این حرفهای سنتی و تکراری و بی خاصیت را جدی نمیگیرد. احتمالاً ایشان متوجه نیست که این تکرار حرف بورژواها علیه کمونیستها است. هر وقت کمونیستها خواسته اند دست به قدرت ببرند فوراً " مبصرها و داورها" سرو کله شان پیدا شده و گفته اند "وقتش نیست، طبقه کارگر آماده نیست، متشکل نیست، شوراها سازمان پیدا نکرده و دمکراسی را نقض میکنید و"

ما این استدلالهای کسل کننده را میشناسیم. آقای علیزاده خوب به یاد دارد که در کردستان سال ۵۸ چند هزار نفر هم نبودیم، اما به جمهوری اسلامی گفتیم ما اداره کردستان را به رژیم نمیدهیم. جمهوری اسلامی فقط با کشتار توانست مردم و جنبش انقلابی در کردستان را به عقب براند. ما سالها با این رژیم جنگیدیم و فقط در مقابل سرکوب خشن رژیم ناچار به عقب نشینی شدیم. حالا آقای علیزاده میتواند تئوری نیم پز "مبصرها" را تکرار کند اما فکر نکنم کسی آنرا جدی بگیرد. اگر بحث بر سر سازماندگان جنبش کارگری و طرح و نقشه برای آن است، ایشان بعد از سه دهه صاحب هیچ طرح و نقشه ای نیست. تا همین حالا هم اسناد رسمی حزبی به قلم کسانی نوشته شده که ایشان توافقی با آن ندارد. شعار آزادی برابری حکومت کارگری، سند عضویت کارگری، سند سیاست سازماندهی ما در میان کارگران، سند آژیتاتورها، اسناد نقد تجربه شوروی و بالاخره سند استراتژی همان تشکیلات کردستانش و به قلم منصور حکمت نوشته شده است و ایشان در همین ارزیابی بر حقانیت آنها تاکید میکند.

ولی منصور حکمتی که تمام سیاست و اسناد اصلی حزب مورد نظر آقای علیزاده را نوشته، اکنون مورد حمله آقای علیزاده قرار گرفته است. این تنها بی انصافی نیست که ایشان به نمایش گذاشته است. همین اسناد مورد اشاره ایشان يك دوره ای از کتابخانه ها و مقرات کومه له جمع آوری شد و در رودخانه پایین اردوگاهشان در مقابل چشم ایشان به آتش کشیده شد. آن هنگام باید آثار و نوشتار منصور حکمت نابود میشدند. اکنون که احتیاج پیدا کرده و باید به افتخارات این حزب اشاره نماید که مخالفینش را قانع کند بجز اشاره به همین اسناد چیز دیگری ندارد. ایشان همان اسنادی را که قبلاً سوزانده شدند به عنوان افتخارات این حزب منهای نویسنده آن مورد اشاره قرار میدهد. این يك سیاست ریاکارانه و فرصت طلبی آشکار است. اگر این اسناد مهم هستند پس چرا يك دوره آنها را از کتابخانه و مقرات خود جمع آوری و

سوزانند؟ سوال این است حالا چه اتفاقی افتاده است که امروز به آن افتخار میکنند؟ اگر به آن افتخار میکنند چرا نویسنده این اسناد را مورد حمله قرار میدهند؟ آیا این بجز ریاکاری و فرصت طلبی اسم دیگری دارد؟

ایسکرا: ابراهیم علیزاده معتقد است کسانی که از حزب کمونیست ایران جدا شدند (اینجا منظور ایشان جریان کمونیسم کارگری است) از آنجا که خودشان تمامی امکانات، موقعیت های اصلی و کلیدی را در دست داشتند و همه چیز آن را رها کردند، هیچ گونه پیوستگی با تاریخ و گذشته حزب کمونیست ایران ندارند. و نتیجه می گیرد که هر کسی در این حزب مانده است میتواند صاحب آن تاریخ، اهداف، سیاستها، بحثهای مربوط به بولتن مباحث شوروی سیاست سازماندهی کارگری، بیانیه پایه ای مردم زحمتکش و... باشد. در ادامه می افزاید که این تاریخ و این گذشته به کسی که آرمانش را به تشکیلات پر حرارت خارج کشور تبدیل کرده تعلق ندارد.

بنظر شما علت این تصاحب و مصادره کردن تاریخی چیست و آیا مخاطبین ایشان در این جلسه و یا هر کجای دیگری، این را نمی دانند که این افق، سیاست، برنامه و غیره این حزب تا قبل از جدایی مباحث چه کس یا کسانی بود؟ آیا جامعه نمی داند که نظریه پردازان مباحث شوروی و کوهی از نظرات و نوشته های آن دوره در چندین جلد مجموعه آثار مکتوب شده است، نظرات کی بود؟ اگر این طور است، پس خاصیت این تصرف و مصادره سیاسی نظری برای ابراهیم علیزاده چیست؟

محمد آسنگران:

در جواب سوال قبلی به این اشاره کردم این يك ریاکاری و فرصت طلبی آشکار است. اما در خوشبینانه ترین حالت فرض کنیم ایشان از سوزاندن آنها پشیمان شده و اکنون آن اسناد را به عنوان سیاست حزب خود قبول دارد. در چنین حالتی دو احتمال پیش می آید: یکی اینکه فشار واقعیات و به چه چرخیدن جامعه ایشان را بیدار کرده و نمیخواهد بیش از این به

دنبال سیاست "دولت نویای کردی" در کردستان عراق و ناسیونالیسم کرد روان شود. اگر اینطور باشد جای خوشحالی است. اما بالاخره در این حالت انصاف و صمیمیت در يك ارزیابی درست حکم میکند که سیاستهای چند سال قبلی خودشان را مورد نقد و بازبینی قرار دهد. حالت دوم این است که میخواهد این اسناد را ملاخور و بی خاصیت کند. آنچنانکه از ارزیابی ایشان بر می آید ایشان گفته اند که "نویسندگان این اسناد مهم نیست چه کسی بوده است مهم این است که خود نویسنده به این اسناد پشت کرده است و صاحب آن اکنون حزب کمونیست ایران است!"

آقای علیزاده بهتر از هر کسی میداند در این چند ساله بعد از جدایی کمونیسم کارگری، یکی از جدالهای ما با آنها این بوده است که این اسناد را نمیتواند از تاریخ حزب کمونیست ایران پاک کند. گفتیم این اسناد صاحب دارد، گفتیم این اسناد يك جنبش است کسی با سوزاندن آنها نمیتواند اثراشان را پاک کند و به هر حال اکنون هم نمیتوان به درستی این اسناد استناد کرد و در عین حال اسم منصور حکمت نویسنده آنها را خط زد. همچنانکه نمیتوان به کاپیتال استناد کرد و اسم مارکس را خط زد. ایشان باید متوجه این امر بدیهی باشد که بعد از مرگ منصور حکمت با توجه به اسناد کتبی و قابل مراجعه، کسی نمیتواند جایگاه تاریخی این انسان بزرگ را این چنین جعل کند. این يك غیر ممکن و توهم بیش نیست. زیرا مدافعین واقعی این خط و این سیاستها این اجازه را نمیدهند.

تا جایی که به بحث پیوستگی تاریخی مربوط میشود، این اسناد يك خط و يك گرایش منسجم و متکامل را در يك جنبش نمایندگی میکند. از ابتدای تشکیل اتحاد مبارزان تا پایان عمر منصور حکمت این خط پیش رفته و تکامل پیدا کرده است. این اسناد مکتوب و قابل رجوع هستند. کسی این وسط نمیتواند با يك اکروبات بازی این تاریخ را تصاحب شود. اگر ایشان اعلام میکرد این بخش از اسناد و خط فکری را تا هنگامیکه در يك حزب بودیم قبول دارد و با بخش

از صفحه ۳

مصاحبه ای با محمد آسگران . . .

دیگر آن مخالف است باز هم قابل درک بود و معقول به نظر میرسید. آدم میتوانست بپذیرد که در یک مقطع دو سیاست متفاوت شکافی ایجاد کرده است و ایشان با کمونیسم کارگری مخالف است. اما آقای علیزاده اینرا نمیگوید. او مدعی است که منصور حکمت نویسنده این اسناد بعداً به آنها پشت کرده و برخلاف آن عمل کرده است؟! که این یک ادعای سطحی و بی پایه است.

همین اسناد مورد اشاره دفاع میگرد، ناسیونالیستها ناچاراً راه دیگری در پیش میگرفتند. و جدایی ما هم احتمالاً پیش نمی آمد. اما آن دوره ایشان در جناح راست کومه له قرار داشت و دنباله رو خط عمر ایلخانیزاده شد و در مقابل منصور حکمت ایستاد.

این تاریخ کتبی است ایشان نمیتواند این را انکار کند. به همین دلیل عمر ایلخانیزاده، جواد مشکی، ابراهیم علیزاده و . . . در پلنوم ۱۶ حزب کمونیست ایران از عضویت در کمیته مرکزی استعفا دادند و فقط با پیشنهاد منصور حکمت آقای علیزاده در پست خود ایقا شد. آن هنگام ایشان وجود ناسیونالیسم کرد در کومه له را انکار میکرد. اکنون تازه پذیرفته است که ناسیونالیسم در کومه له جریانی موجود اما حاشیه ای بود.

ایشان بعد از ۱۶ سال بالاخره پذیرفته اند که ناسیونالیسم کرد در کومه له وجود داشت ولی حاشیه ای بود؟! اما فراموش میکند که خط سانتز به رهبری ایشان در کنار

را ناچار کرده است این تناقضات را بیش از پیش عیان کند. ایشان بالاخره پذیرفته است که ناسیونالیسم کرد در آن تشکیلات لانه کرده و هنوز برای ایشان هم دردسر آفرین است. منصور حکمت همین را ۱۶ سال قبل به آقای علیزاده گفت، اما ایشان اکنون و بعد از ۱۶ سال متوجه شده است. اگر ایشان ۱۶ سال قبل این حرف را میپذیرفت احتمالاً سیر حوادث طور دیگری پیش میرفت. اما اکنون دیگر دیر شده است.

اگر ایشان از موضع گیری خود در دفاع از جهت گیری عمر ایلخانیزاده و عبلانله مهتدی و . . . پشیمان شده است بیاید صراحتاً همین را بگوید. چرا به آنها و همفکرانشان در کومه له موجود به عنوان دوستان نزدیک خود برخورد میکند و منصور حکمت و کمونیسم کارگری را "رویزیونیست" معرفی میکند. این چه منفعت حقیری است که باعث میشود ایشان تاریخ و حقایق غیر قابل انکار این دوره را این چنین جعل کند. این دوستان ظاهراً افتخاراتشان ماندن در اردوگاه "زرگوز" است. و گویا ما این "عرصه را در کرستان" نباید ترک میکردیم.

ناسیونالیسم کرد قرار گرفت و منصور حکمت در آن مقطع به درست نخواست از قدرت تشکیلاتی برای تصفیه آنها استفاده کند(زیرا در مقطع زمانی خاصی از لحاظ اوضاع جهانی و منطقه ای قرار داشتیم) آن زمان مقطعی بود که شوروی و سوسیالیسم موجود به نفع بورژوازی راست کنار میرفت و دولت کردی با کمک ارتش آمریکا در کردستان عراق حاکم شده بود. آن دوره ناسیونالیسم کرد و دولت "نویای کردی" با استقبال امثال آقای علیزاده مواجه شده بود و به احترام آنها ایشان کلاه از سر بر میداشت. آن هنگام از نظر آقای علیزاده و همفکرانش ما مخالف "انقلاب کردستان" و طالبانی مدافع "انقلاب کردستان" شده بود. در چنین شرایطی عاقلانه ترین راه همان سیاستی بود که منصور حکمت انتخاب کرد. ما راهمان را جدا کردیم و حزب دیگری درست کردیم. حزب کمونیست کارگری ایران.

به همین دلیل راه سیاسی خودمان را جدا کردیم و ایشان ماند با ناسیونالیستها که بعداً دیدیم چه سرنوشتی پیدا کردند. ایلخانیزاده و مهتدی رفتند و اخیراً بازمانده های آن گرایش در کومه له آقای علیزاده

ایشان وقتی که میگوید آرمان ما به درست کردن تشکیلات خارج کشور تبدیل شده است اولاً اعتراف به این حقیقت است که ما در خارج کشور قویترین و فعالترین جریان سیاسی هستیم. دوماً تا جایی که به داخل کشور مربوط است تمام فاکت و فیکور مبارزات این چند سال گذشته نشان میدهد که ما دخیل ترین جریان سیاسی اپوزیسیون بوده ایم. هر آدم منصفی که به جنبشهای اعتراضی علیه اعدام، علیه سنگسار، علیه دخالت مذهب در زندگی مردم و علیه حجاب، جنبش دفاع از حقوق کودک و جنبش کارگری و جنبش برابری طلبانه زنان و . . . نگاهی بیندازد جاپای سیاستها و شعارهای ما را میبیند. بهتر است ایشان فقط نگاهی به سندج بیندازد و ارزیابی واقعینانه ای بکند.

ما در کمال آرامش به آنها میگیریم این بار هم سیاستتان خطا است. آیا لازم است ۱۶ سال دیگر بگذرد تا متوجه عرصه های مبارزه در کردستان و ایران بشوید و زرگوز را مرکز عالم و تحولات دنیا به حساب نیاورید؟

تاریخ مصاحبه
۲۷ ژوئن ۲۰۰۷

از صفحه ۱

تجمع اعتراضی معلمان . . .

صبح روزیکشنبه ۳ تیر ۸۶، تعدادی از معلمان حق التدریسی در اعتراض به تبعیض در استخدام معلمان و سلیقه ای عمل کردن استخدام در آموزش و پرورش در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارشهای رسیده این

معلمان از استانهای فارس، اصفهان و چهارمحال و بختیاری به تهران آمده بودند تا در مقابل مجلس اسلامی تجمع کنند.

اخبار اعتراضات ماههای اخیر معلمان از اخبار مهم مربوط به اعتراضات توده ای در ایران بوده

است. هنوز تعداد قابل توجهی از معلمان که در جریان اعتراضات اخیر دستگیر شده بودند و با قید وثیقه آزاد شده بودند قرار است به دادگاه احضار شوند. چندی پیش نیز تعدادی از معلمان به دلیل شرکت در اعتراضات از حق تدریس برای چندین ماه محروم شدند که این هم شیوه دیگری از زیر فشار گذاشتن

کرده اند که به کار خود ادامه میدهند. مبارزه و خواست معلمان برای رفع تبعیض و برای یک زندگی بهتر و انسانی است. حزب کمونیست کارگری همه مردم را به حمایت از اعتراضات معلمان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ تیر ۱۳۸۶ - ۲۴ ژوئن ۲۰۰۷

بی نتیجه ماندن رسیدگی به خواسته هایشان در سازمان کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی و موکل شدن آن به هفته آینده دست به یک تجمع اعتراضی زدند.

این کارگران که اخیراً قراردادی شده بودند، بعد از اتمام دوره قرارداد آنها، کارفرما از اشتغال مجدد آنها خودداری کرده بود. یکی دیگر از مطالبات کارگران، پرداخت دستمزدهای ماه خرداد و پرداخت فوری حق بیمه به صندوق تأمین صفحه ۶

طومار نیز حق داشتن تشکل مستقل را حق خود میدانند و اعلام کرده است که بر این حق پافشاری میکند. کارگران در پایان گفته اند: ما امضا کنندگان این بیانیه، از مسئولان امر خواستار اقدام عاجل و پیگیری سریع میباشیم.

قیوفزه: اجتماع کارگران شرکت

یاقوت سبز به اخراج کارگران شرکت یاقوت سبز تبریز که طی چند روز گذشته از کارشان اخراج شده اند، روز اول تیر، بعد از

شغل و غیره اشاره شده بود و خواهان تامین امنیت شغلی و برخوردار بودن از حقوق و مزایای تامین اجتماعی شده اند. طومار همچنین ضمن اشاره به اینکه بیش از ۸۰ درصد کارگران فاقد مسکن هستند خواهان ایجاد تعاونیهای مسکن و دیگر امکانات برای حل مشکل مسکن کارگران است.

در بند ۴ این طومار کارگران خواهان تقلیل ساعات کار خود به حداکثر ۶ ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته شده اند. بند ۵ این

اعتراضات کارگری همچنان ادامه دارد

ساختمان تهیه شده بود توسط بیش از ۵۰۰ کارگر امضا شده بود. در این طومار به وضع نابسامان معیشتی، وضعیت کار سخت و طاقت فرسا در هوای سرد و گرم و در معرض خطرات جانی قرار گرفتن هر روزه بر اثر استشمام مواد شیمیایی سرطانزا و کار روی داربستهای بلند و سست و لرزان که هیچگونه استاندارد ایمنی ندارند، و بیکاری در نیمی از سال بدلیل فصلی بودن

کارگران نقاش و تزئینات ساختمان خواهان ۶ ساعت کار شدند کارگران نقاش و تزئینات ساختمان روز ۲۵ خرداد طی طوماری اعتراضی خواستهای خود را باطالع ارگانها و مقامات دولتی رسانند و خواهان اقدام عاجل در مورد خواسته هایشان شدند. این طومار که توسط هیئت بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکند: منصور حکمت از زبان شما در اجتماعات و گردهمایی در شهرهای مختلف جهان



بر سخنرانان این مراسم شما هم پشت میکرفن بیایید و حرف بزنید. آنطور که شما منصور حکمت را شناختید. آنطور که در زندگی شما تاثیر داشت. منصور حکمت از زبان شما.

* * * * *

به این مبارزه می پیوندند. در گرامیداشت یاد منصور حکمت حزب کمونیست کارگری گردهمایی هایی در شهرهای مختلف جهان برگزار میکند و از همه شما دعوت میکند تا در این اجتماعات شرکت کنید و در باره منصور حکمت سخن بگویید. علاوه

منصور حکمت متاسفانه در ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ در گذشت. اما همه آن شرایط اجتماعی نابرابر و ضد بشری که او پرچم اعتراض به آنرا به دست داشت، سر جایش باقی است. همه انسانهایی که مانند او تشنه تغییر جهان وارونه فعلی اند، همچنان درگیر مبارزه ای نهان و آشکارند. و هرروز صف های جدید

غیره. اعتراض به همه نابرابری ها و بی حرمتی ها به انسان و به کل مناسبات استثمار. فرهنگ باور به تلاش انسانها. اینکه میشود دنیایی با یک عالمه شادی، مقادیر زیادی رفاه و آسایش و احترام به همدیگر ایجاد کرد. باور به عملی بودن "یک دنیای بهتر" و تلاش انسانها برای متحقق کردن آن.

منصور حکمت زبان گویای همه انسانهایی بود که به جهان نابرابر موجود اعتراض دارند. منصور حکمت اهداف و روش مبارزه اکثریت عظیم بشریت امروز برای تغییر دنیا را عرضه کرد. فرهنگ نپذیرفتن وضع موجود، سنت نقد بی تخفیف مذهب و خرافه و تبعیض بر اساس جنیست، ملیت، رنگ و

برنامه ها شامل: سخنرانی، نمایش فیلم و تریبون آزاد

کانادا - ونکوور

زمان: یکشنبه ۸ جولای ۲۰۰۷ ساعت ۱۴ تا ۱۷ عصر

مکان: Harbour View Room
Centre John Braithwaite Community
Vancouver West 1st Street, North ۱۴۵

تلفن ۶۰۴-۷۲۷-۸۹۸۶

کانادا - تورنتو

زمان: شنبه ۷ جولای ۲۰۰۷، ساعت ۷:۳۰ بعداز ظهر

مکان: شماره ۵۱۲۰ خیابان یانگ، نورث یورک سنتر، طبقه دوم کتابخانه مرکزی

تلفن تماس: ۴۱۶-۳۵۸-۹۶۰۰

آلمان - کلن

شنبه ۳۰ جون از ساعت ۱۵ زمان:

مکان: Kapellen Str. 9a Köln - Kalk

سهیلا خسروی ۰۱۷۸-۳۰۲۴۸۳۲

محمد شکوهی ۰۱۶۰-۹۲۳۴۹۲۹۰

سوئد - مالمو

زمان: شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۹

مکان: Ystadvägen 42 5 Våningen

Farideh Arman 070-3638088 ۰۴۰-۶۱۱۶۱۰۹

سوئد - یوتبوری

جمعه ۶ جولای از ساعت ۷ بعد از ظهر

در محل خانه آینده (Framtidshuset) واقع در Ångpannegatan 9 A

تلفن خانه آینده ۰۳۱۲۳۸۷۸۹

تلفن تماس ۰۷۳۷۷۹۷۸۸۵

سوئد - استکهلم

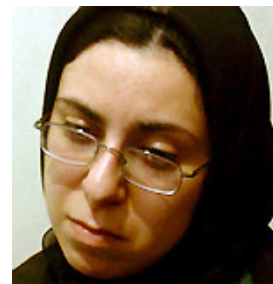
زمان: شنبه ۷ یولی از ۱۹ تا ۲۲

مکان: Husby Träff:

تلفن تماس: ۰۷۰۳۶۱۰۲۷۹ جمیل فرزاد

لیست سخنرانان بزودی منتشر میشود

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران



کبرا رحمانپور

کمپین نجات جان کبرا رحمانپور، از رم تا تهران!

هنرمندان، سیاستمداران و چهره های سرشناس جامعه ایتالیا از کمپین نجات جان کبرا دفاع کرده اند. همچنین به فعالیتهای گسترده ای که کمیته بین المللی علیه اعدام و سازمانهای مدافع حقوق زنان، حقوق بشر و مخالفان اعدام و سنگسار برای نجات جان کبرا، اشاره کوتاهی کردیم.

کمپین دفاع از جان کبرا رحمانپور از خطر اعدام، در ایران یکی از شناخته شده ترین، وسیعترین و احساسی ترین کمپین های علیه اعدام است. به گواه نامه ها و تلفن های که بعضی از روزنامه های ایران انعکاس می دهند. مردم ایران خواهان توقف حکم اعدام کبرا

و آزادی وی هستند. مردم داوطلبانه چندین بار اقدام به جمع آوری پول برای پرداخت به خانواده مقتول کرده اند. تعدادی با خانواده مقتول تماس گرفته اند و تلاش کرده اند که بخشش کبرا را بگیرند. همه این تلاشها نشان می دهد که کبرا رحمانپور در دل مردم جای دارد. جمهوری اسلامی باید در برابر افکار عمومی و خواست میلیونها انسان در ایران و جهان سر خم کند و به خواست آزادی کبرا تن دهد.

روزنامه اعتماد در گزارشی خبر از ارسال نامه ای از سوی ۲۰۰ هنرمند به شاهرودی می دهد. در این نامه این ۲۰۰ هنرمند داخل کشور خواستار آزادی کبرا رحمانپور

شده اند. صرفنظر از این که امضاء کنندگان چه کسانی هستند و همچنین هرچند این نامه بسیار دیر و بعد از سالها که از کمپین سراسری و جهانی نجات جان کبرا می گذرد، نوشته شده است. و هر چند در لحن آن نشانی از اعتراض به اعدام های گسترده در ایران نیست، اما باید نوشتن همین نامه را به فال نیک گرفت و امیدوار بود که جنبش گسترده مردم علیه اعدام در ایران هنرمندان و چهره های اجتماعی بیشتری را به اعتراض به احکام اعدام و سنگسار در ایران وادار کند. ذکر یک نکته اما در این مورد ضروری است. ما از جنایتکاران

حاکم بر ایران، حکم آزادی نازنین فاتیحی و یا توقف حکم اعدام کبرا و شهلا و دهها نفر دیگر از سنگسار و اعدام را با مبارزه و با اعتراضات گسترده در ایران و دنیا گرفته ایم. عجز و لایه و تقاضای "عفو" کردن از شاهرودی و دیگر جنایتکاران حاکم بر ایران در قاموس مبارزه علیه اعدام نمی گنجد. به این هنرمندان عزیز که بسیار دیر جنیبیده اند، باید گفت: لطفا مقررات بازی را رعایت کنید. حکومت جنایت پیشه اسلامی را فقط و فقط با اعتراض و مبارزه میتوان و باید عقب نشاند و التماس و ندبه و زاری در این مبارزه جایی ندارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

23.06.2007

manochermasori@yahoo.com

www.adpi.net

Tel: 0046704917494

احضار کارگران در سقز را محکوم میکنیم رژیم اسلامی چهار کارگر معترض در سقز را به دادگاه فراخواند

دادگاه جزایی شهر سقز فراخوانده شده اند و قرار است روز ۱۳ تیرماه ۱۳۸۳ دادگاهی شوند. لازم به یادآوری است که رژیم چندین ماه است محمود صالحی را در شرایط جسمانی بسیار بدی در زندان نگه داشته است و بنابر گزارشهای رسیده، اکنون وضعیت جسمی وی بحرانی شده است. بیماری کلیوی وی که سالهاست از آن رنج میبرد و در همین زندانهای جمهوری اسلامی بدان مبتلا شد،

بر اساس گزارش رسیده در سقز ۴ تن از کارگران خباز این شهر به اسامی خالد میخانی، عطالله حسینی، کاوه حکیمی و رحیم حسینی به اتهام شرکت در تجمعات اعتراضی در سال جاری به دادگاه فراخوانده شدند. این گزارش میافزاید که این ۴ تن در تجمع ۲۷ فروردین ماه امسال در اعتراض به زندانی کردن محمود صالحی دستگیر و با قرار کفالت آزاده شده بودند. این کارگران به شعبه ۱۰۲

قرار وثیقههای هنگفتی حاضر به آزادی بخشی از آنها شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که بطور روزمره خود را با اعتراضات و مبارزات کارگران رویرو میبیند، سعی دارد با سرکوب و زندانی کردن فعالین کارگری، فضای وحشت و ارعاب را بر جامعه حاکم کند. اما رژیم اسلامی توان به عقب راندن اعتراضات مردم را ندارد. حزب کمونیست کارگری احضار، بازداشت و محاکمه کارگران و دیگر فعالین جنبشهای اعتراضی را محکوم میکند و از همه مردم میخواهد که به این سیاستهای سرکوبگرانه رژیم

اسلامی اعتراض کنند. در روز دادگاهی با اعلام حمایت از این ۴ کارگر و با محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی، جلوی محل این دادگاه در سقز تجمع کنید و ضمن اعتراض به این اقدام سرکوبگرانه خواهان آزادی فوری محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی شوید.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۳۸۶ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۷

توسط شرکت پیمانکاری پامیکو طیس اتمام قرارداد کارگران مطرح شده بود.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کارگران قاطعانه حمایت میکند و همه مردم آزادیخواه را به همبستگی با مبارزات آنها فرامیخواند. راه موثر مبارزه بر علیه اخراج و کار موقت اعتراض دسته جمعی و اتحاد و همبستگی کارگری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۳۸۶ - ۲۴ ژوئن ۲۰۰۷

مطالبات خود، که شامل عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق و بلا تکلیفی و بیکاری است، به تهران رفته و خواهان ملاقات و مذاکره با احمدی نژاد شدند.

طیس: قرارداد کارگران زغال

سنگ یک ماه دیگر تمدید شد!

اعتراض و مراجعات مکرر کارگران زغال سنگ طیس که قرار بود تا آخر خرداد اخراج شوند، باعث شد با قرارداد یک ماهه به سر کار برگردند. بهانه اخراج این کارگران

باعث عوارض قلبی شده است که احتیاج به معالجه فوری دارد.

علاوه بر محمود صالحی، خالد میخانی، عطالله حسینی، کاوه حکیمی و رحیم حسینی، هم اکنون پرونده فعالین کارگران دیگری به جرم شرکت در اول مه ۱۳۸۳ روی میز قاضی جمهوری اسلامی در سقز است. در همین چند ماه گذشته رژیم تعدادی از فعالین کارگری سنندج و تعدادی از فعالین اعتراضات معلمان و... را نیز دستگیر و بعد با

کارفرمایان کورهها چندی قبل هر تن آجر را حدود ۱۵ هزار تومان میفروختند که این مقدار را اکنون به قیمت ۳۵ هزار تومان میفروشند، و این در حالی است که کارگران همچنان دستمزد زیر خط فقر را دریافت میکنند.

قزوین: ادامه اعتراض کارگران

قوه پارس

کارگران قوه پارس در ادامه اعتراضات خود که چندین ماه است ادامه دارد، روز ۳ تیر برای پیگیری

اعتراضات کارگری همچنان ...

ازصفحه ۴

اجتماعی بود.

ارومیه: ادامه اعتراض کارگران

کوره پزخانهها

روز ۸ خرداد امسال به اطلاع رساندیم که اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگران کوره پزخانه های آذربایجان غربی وارد بیستیمین روز خود شده است. کوردهای آذربایجان غربی بیش از ۲۰ هزار کارگر دارد

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!